

تأثیر انقلاب فناوری نوین ارتباطی و اطلاعاتی بر دگرگونی و تحول مقوله «دولت»

محمدحسین جمشیدی^۱

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

فرزانه نقدی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۶/۱۵)

چکیده

امروزه، انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، با تأثیر بر پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی، دولت‌ها را با چالشی جدید مواجه ساخته است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های موجود این است که دولت‌ها در گستره عظیم فناوری اطلاعات و ارتباطات، چگونه حاکمیت خود را استمرار بخشند. این امر به معنای تحول مقوله دولت با توجه به الزامات عصر فناوری اطلاعات است. بر این مبنا، هدف از این نوشتار، بررسی تحول مقوله دولت تحت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات است و پرسش اصلی این است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چگونه بر تحول مقوله دولت تأثیر می‌گذارد و چه الزاماتی را برای حاکمیت دولت به همراه دارد؟ این پژوهش از نوع بنیادی و دارای رویکرد توصیفی-تحلیلی است که از طریق بررسی داده‌های کتابخانه‌ای و با روش پژوهش علی به تحلیل رابطه فناوری‌های نوین با مقوله دولت می‌پردازد. یافته‌های تحقیق بر آن است که فناوری‌های نوین هم با گسترش اطلاعات شهروندان، بر حد رضایت آنان از عملکرد دولت‌ها تأثیر دارد و هم به مثابه رکنی از ارکان وجودی دولت عمل می‌کند. در نتیجه، در جهت بهبود و تقویت پایه‌های حکمرانی دولت، ارزیابی مجدد مقوله دولت، با نظر به دو رکن اطلاعات و حکمرانی خوب مورد توجه است. بر همین مبنا، دولت پدیده‌ای است انسانی و مدنی و با بقای انسان و مدنیت، باقی است، اما تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، دو رکن مهم اطلاعات و حکمرانی جایگاه مهمی را در کنار عناصر سنتی دولت اخذ کرده و به ارکان بنیادین دولت تبدیل شده‌اند. بنابراین می‌توانیم بر مبنای رشد معرفتی بشر شاهد دگرگونی و تحول مقوله دولت باشیم.

واژه‌های کلیدی

اطلاعات، انقلاب فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، تحول، حکمرانی، دولت.

مقدمه

دولت، خواه به مثابه «یک ساختار حکومتی که معمولاً از قدرت و حاکمیت لازم برای اجرای احکام برخوردار است» (راسکین و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۴) و خواه به عنوان «بغرنج‌ترین، مجهزترین و کامل‌ترین نهاد و سازمان سیاسی، اداری، قضایی و نظامی کشور - ملت» (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۱۴۱) همواره مهم‌ترین نهاد جمعی تصمیم‌گیری و تدبیر در عرصه بین‌الملل بوده است. نقش دولت به‌ویژه پس از قرارداد وستفالی اهمیت بیشتری یافته است. ثبات و پایداری دولت‌ها و کارکرد آنها مهم‌ترین شاخصه‌های توانمندی دولت‌ها محسوب می‌شود، حاکمیت کشور- دولت همچنان در جهان نیرومندترین و کامل‌ترین حاکمیت‌هاست و همه جریان‌هایی که برای سست کردن حاکمیت کشور در جهان دیده شده یا می‌شود کم‌ارج و کم‌نیرو است (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۱۶۸-۱۶۷)، اما اکنون در شرایطی که به نظر می‌رسد دولت‌ها در سطح بین‌الملل به نوعی ثبات نسبی دست یافته‌اند، جنگ‌های جهانی به پایان رسیده، باور به تعامل و همکاری بیشتر میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شکل گرفته و بازیگران دولتی در جهت حفظ صلح و آرامش به مذاکرات و ابزار غیرنظامی روی آورده‌اند، شاهد قیام‌ها و اعتراضات مردمی، جنبش‌های بیداری، صحنه‌های تروریستی و جنگ‌های داخلی متعدد در جوامع گوناگون هستیم.

انقلاب‌ها و جنبش‌های پی‌درپی در خاورمیانه، نارضایتی‌های مردمی و جنبش‌های عمومی، رشد مهاجران و آوارگان سوری، گسترش تروریسم و گروه‌های خشونت‌گرا حکایت از افزایش حضور بازیگران غیردولتی و جامعه مدنی در عرصه حکمرانی و ناتوانی دولت‌ها در کنترل نظام داخلی و بین‌المللی دارد (Davison, 1968:188). به‌علاوه، وقوع انقلاب نوینی در اطلاعات و ارتباطات و گسترش روش‌های تولید دانش و ابزار انتقال اطلاعات و پیام‌های مختلف مرزها را درنوردیده و نقش مردم و افکار عمومی در استقرار یا سرنگونی دولت‌ها اهمیت بیشتری یافته است.

دولت به‌مثابه برترین نهاد سیاسی و حقوقی، همواره، مسئولیت برقراری نظم در داخل، امنیت در مرزها و ایجاد رفاه عمومی برای شهروندان را به عهده داشته است. به بیانی دیگر، دولت همه‌چیز را شکل می‌دهد و کنترل می‌کند، و هر جا که شکل‌دهی یا کنترل نکند، مقررات وضع می‌کند، نظارت می‌کند، اختیار می‌دهد یا منع می‌کند (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۲۸)، اما عصر فناوری-های ارتباطی، دسترسی شهروندان به اطلاعات و ابزار بیان و در نتیجه انتشار نارضایتی‌های عمومی را گسترش داده (Jorgenson, 1995: 295-316) و زمینه‌های فعال‌تر شدن نقش جامعه مدنی و در نتیجه کمرنگ‌تر شدن نقش دولت‌ها را فراهم آورده است؛ اگرچه همین ابزار، به رکن نظری و عملی دولت نیز تبدیل شده است و می‌تواند در جهت تقویت عملکرد بهتر دولت‌ها به کار آید.

بر این مبنای، بر این باوریم که انقلاب فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی^۱ ماهیت، مفهوم و ساختار دولت و عملکرد آن را متحول کرده و ضرورت مطالعات بنیادی جدیدی را در خصوص دولت‌ها ایجاد کرده است. این تحول از سویی در زمینه افزایش آگاهی دولت‌ها و از سوی دیگر از ناحیه افزایش نقش شهروندان و جوامع مدنی است. دولت‌ها برای تقویت مشروعیت و حاکمیت خود ناچار به همسازی و همراهی با فناوری‌های نوین هستند و بهترین راه برای ایجاد اعتماد و حفظ مقبولیت، مشروعیت و حاکمیت دولت‌ها در عصر ارتباطات، بازسازی دولت‌ها و تبیین آنها متناسب با تحولات بین‌الملل و الزامات عصر فناوری است. بنابراین سؤال اصلی، این است که تحول فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی چگونه بر مقوله دولت تأثیر گذاشته و چه پیامدها و الزاماتی را برای حفظ بقا و مشروعیت دولت‌ها به همراه داشته است؟

فرضیه اساسی این است که دولت‌ها با توجه به رسالت و نقش خود، با تکیه بر دو مؤلفه جدید و تأثیرگذار یعنی اطلاعات و حکمرانی خوب در کنار مؤلفه‌هایی پیشین (جمعیت، سرزمین، حاکمیت و حکومت) می‌توانند در جهت بقا و استمرار خود بکوشند. برای بررسی فرضیه، با توجه به رویکرد توصیفی-تحلیلی و ماهیت بنیادی این پژوهش، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی به تعریف دولت و تحلیل تغییر مفهوم آن در روند جهانی شدن و عصر اطلاعات می‌پردازیم و سپس با تکیه بر روش پژوهش علی، رابطه میان حفظ حاکمیت دولت‌ها در عصر ارتباطات و بازسازی مفهوم دولت از طریق پایبندی به شاخص‌های حکمرانی خوب در قالب دولت خوب تحلیل می‌شود.

۱. پیشینه پژوهشی و نوآوری تحقیق

۱. مقاله «رسانه‌ها؛ بحران‌های نوین و جنگ‌های پست‌مدرن»، با تأکید بر مسئله امپریالیسم خبری و نقش آن در بحران‌آفرینی در روابط میان ملت‌ها و نهایتاً چگونگی بهره‌گیری از این ابزار در جنگ آمریکا علیه عراق، عملکرد مخرب رسانه‌ها را به تصویر می‌کشد (سلطانی‌فر، ۱۳۸۴). این مقاله، رسانه‌ها را به‌عنوان ابزاری در دست دولت‌های غربی برای تحکیم اهداف استعماری معرفی کرده و جنگ را به فضای رسانه‌ها و دنیای سایبری انتقال داده است. اما بیشتر از هر چیز بر قدرت تأثیرگذاری یکجانبه فناوری اطلاعات بر دولت متمرکز است.

۲. در «آیا علم و تکنولوژی، نظام سیاست بین‌الملل را تخریب خواهد کرد؟» (Skolnikoff, 2002) بر پیشرفت روزافزون علم و تکنولوژی و تأثیر آتی آن در ایجاد پیچیدگی‌های احتمالی در نظام بین‌الملل و در نتیجه نیاز دولت-ملت‌ها برای اقدامات پیش‌نیاز

تأکید می‌شود. در این مقاله با نگرشی تک‌بعدی، بهره‌مندی هرچه بیشتر دولت آمریکا از علم و تکنولوژی برای تسلط بر نظام بین‌الملل مطرح شده اما توجهی به تحول مفهوم دولت نشده است.

۳. در «تکنولوژی و غول تروریسم» (LePoire & Glenn, 2007) با تمرکز بر مشکلات فناوری‌ها و معضل تروریسم بیان می‌شود که تکنولوژی‌های جدید همان‌قدر که به کمک حل مشکلات می‌آیند، به همان اندازه مشکل‌آفرین‌اند، اما تغییرات مفهومی دولت با توجه به الزامات عصر فناوری‌های نوین مدنظر قرار نگرفته است.

در حوزه حکمرانی خوب نیز مطالعاتی به شرح زیر صورت گرفته است:

۴. کتاب حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت با تکیه بر کارکرد دولت به بررسی الگوی دولت در چارچوب حکمرانی خوب می‌پردازد و رویکردهای متفاوت در مورد دولت خوب را بررسی می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۷)، اما ارتباط میان تحول مقوله دولت و فناوری‌های نوین را بیان نکرده است.

۵. مقاله «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، حکمرانی خوب را پدیده‌ای نو در ادبیات توسعه بین‌المللی تعریف می‌کند که مردم‌سالاری، حقوق بشر، رعایت عدالت و مساوات در برابر قوانین را به‌همراه دارد (هداوند، ۱۳۸۴: ۸۶) و می‌تواند به‌عنوان عامل خوبی برای بقای دولت‌ها در اختیار آنها قرار گیرد، اما توجهی به تحول مفهومی دولت ندارد.

۶. در «حکمرانی، رشد و کاهش فقر» بیان می‌شود که رشد اقتصادی و توسعه بازار تنها در سایه اصول حکمرانی خوب به نتیجه مساعد دست خواهد یافت. کاهش رفاه عمومی و ضعف در قوانین حقوق شهروندی نظیر حقوق مالکیت موجب افزایش هزینه‌های بازار، رکود اقتصادی، رانت جویی و فساد شده، ضعف در مدیریت کشور به گسترده‌تر شدن فقر در میان طبقه ضعیف و قدرتمندتر شدن گروه فاسد مرتبط با دولت می‌انجامد (Khan, 2009).

به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد که تأثیر انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات بر مقوله دولت مورد توجه محققان قرار نگرفته، از این‌رو نتایج و پیامدهای چنین تأثیری نیز مورد غفلت واقع شده است. بنابراین پرداختن به تحول مقوله دولت تحت تأثیر انقلاب نوین اطلاعاتی و ارتباطی پژوهشی بدیع محسوب می‌شود، اما نوآوری اصلی تحقیق در این است که چگونه امروزه دو رکن اطلاعات و حکمرانی خوب در کنار ارکان سنتی دولت، یعنی جغرافیا و نیروی انسانی، حق حاکمیت دولت را معنا می‌کند. بنابراین، دولت‌ها برای بقای حاکمیت نیاز به اطلاعات دارند، به‌علاوه با گسترش آگاهی‌های عمومی تحت تأثیر این فناوری‌ها، نقش مردم و جوامع مدنی به‌گونه‌ای افزایش می‌یابد که دولت‌ها چاره‌ای جز هماهنگی هرچه بیشتر با افکار عمومی در قالب حکمرانی و به تعبیر دقیق‌تر حکمرانی خوب ندارند.

۲. مبنای مفهومی و نظری بحث

در طول تاریخ، دولت همواره مهم‌ترین مفهوم عرصه سیاست و روابط بین‌الملل بوده است. از نظر اندرو هیوود جهانی شدن فاجعه‌ای عظیم برای دولت‌ها به‌شمار می‌آید. وی با نگاهی تاریخی به دولت و اشاره به نظر جساپ (۱۹۹۰) اصطلاح «توخالی شدن» را به نشان کم‌رنگ شدن و زوال تدریجی نقش دولت در عصر جهانی شدن به‌کار می‌برد (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۴۷). در مقابل، نظری دیگر مبنی بر استمرار و بلکه تقویت روزافزون نقش دولت وجود دارد. از هگل تا بوزان و از واقع‌گرایان تا نظریه‌پردازان مکتب انگلیسی بر ممتاز بودن و حتی انحصاری بودن نقش دولت تأکید دارند و برخی نظیر باری بوزان در کنار نقش دولت به اهمیت مواردی مانند جهان‌وطنی‌گری و بازیگران فراملی نیز توجه کرده‌اند (بوزان، ۱۳۸۸: ۱۰۹). بر این مبنای تحولات قرن بیستم، از جنگ‌های جهانی تا گسترش جهانی شدن، نقش سازمان‌های بین‌المللی و رشد جامعه مدنی، هیچ‌کدام به توخالی شدن یا حتی کاهش کارایی دولت منجر نشده و «دولت همچنان دارای نقش برجسته و متمایز است» (بوزان، ۱۳۸۸: ۱۰۸). بسیاری بر این باورند که دولت‌ها به‌عنوان قدرت‌های نهادینه‌شده، به لحاظ زمانی بر ملت‌ها مقدم هستند و در طول تاریخ همواره دولت‌ها، ملت‌ها را به‌وجود آورده‌اند (راسکین و همکاران، ۱۳۹۳) بر این اساس، دولت همواره نقش ملت‌سازی را ایفا خواهد کرد و در عصر فن‌آوری‌های نوین نیز انتظار می‌رود با دگرگونی در مفهوم دولت، کارکرد و نقش آن حفظ شود. از این‌رو، دولت بزرگ‌ترین نهاد سیاسی و مهم‌ترین نهاد در داخل و خارج تعریف می‌شود که همواره در زندگی انسان نقش دارد و شناخت آن بدون بررسی سیر تاریخی و تکاملی آن امکان‌پذیر نیست (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۱۴۳-۱۴۱).

بنابراین، دولت مفهومی است اولاً فراتاریخی که با مرور زمان دچار زوال و نابودی نمی‌شود، بلکه در هر زمان مصادیقی دارد؛ ثانیاً، در طول تاریخ در عینیت وجودی خویش تحت تأثیر عوامل گوناگون به اشکال گوناگونی تغییر می‌یابد که دولت-ملت تنها یکی از اشکال آن است؛ ثالثاً، پدیده‌های جدید چون جهانی شدن، گسترش سازمان‌های بین‌المللی و پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات، در عین اینکه تأثیراتی منفی بر دولت گذاشته‌اند از دیگر سوی، با توجه به ویژگی‌ها و کارکرد دولت به خدمت آن نیز درآمده‌اند و در این عرصه دیالکتیکی بین دولت و مؤلفه‌های جدید، دولت می‌تواند با تکیه بر برخی از مؤلفه‌های مهم و در عین حال پایدار ضمن پذیرش تحول مفهومی، به نقش وجودی خود استمرار بخشد. اطلاعات که به آگاهی دولت‌ها کمک می‌کند و حکمرانی خوب که تعامل دولت با مردم (عنصر انسانی) را مورد توجه قرار می‌دهد، دو نمونه مهم از این مؤلفه‌ها هستند.

بنابراین، مفروضات مقاله عبارت‌اند از: ۱. به‌رغم کم‌رنگ شدن نقش دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی در عصر ارتباطات و جهانی شدن، دولت کماکان جایگاه خود را در عرصه

بین‌الملل حفظ کرده است؛ ۲. دولت‌ها بیش از هر چیز تحت تأثیر مسائل و ساختار داخلی خود هستند و ضعف در توان داخلی، امکان تأثیرپذیری بیشتر از منابع خارجی را فراهم می‌آورد؛ ۳. دولت‌ها با تکیه بر مؤلفه‌های جدید بشری سعی بر سازگاری با شرایط در جهت بقا و استمرار نقش و کارکرد خود دارند.

۳. دولت: مفهوم و کارکرد

تحقق قدرت در عالی‌ترین شکل آن در قالب دولت صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که نمی‌توان قدرت را از دولت جدا ساخت. «چگونه می‌توان بخش عظیمی از قدرت و توان دولت را، بی‌آنکه به نقش مفید آن لطمه‌ای وارد شود، به‌طور انتزاعی از او جدا کرد» (راسل، ۱۳۵۷: ۴۵). در طول تاریخ، همواره چالش‌هایی میان ملت و دولت وجود داشته است. در تصور شهروندان کشورهای با درجه آزادی بیان پایین و مشارکت مردمی ضعیف، دولت به آنها تحمیل شده و برعکس در کشورهایی با دموکراسی ریشه‌دار و نهادینه‌شده، دوگانگی میان دولت و ملت و شکاف میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان به حداقل رسیده است (ابوالحمد، ۱۳۶۵: ۱۱۴-۹۱).

بر همین مبنا، دولت پدیده‌ای انسانی است که از تاریخی به طول زندگانی مدنی انسان بر روی کره زمین برخوردار است. هر کاری که یک شهروند انجام می‌دهد، از استخدام و پرداخت مالیات گرفته تا رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، یا تحت نظارت مستقیم دولت یا براساس قوانین اجرایی دولت انجام می‌گیرد. هرچند وینسنت بر آن است که دولت فاقد هر گونه جوهر ذاتی و تنها ابزاری است که از قابلیت کاربردی در زمینه‌های مناسب برخوردار است (وینسنت، ۱۳۷۱: ۲۶)، اما در هر حال دولت وجود دارد (Nettl, 1999: 9) و از نگاه بسیاری محور سیاست را تشکیل می‌دهد. در واقع، دولت موضوع اصلی سیاست است. از نظر وبر، «دولت اجتماعی انسانی است که ادعای انحصار در استفاده مشروع از زور مشروع در قلمروی خاص را (با موفقیت) داراست» (Weber, 1958: 78). بنابراین دولت «نهاد مدنی» است. البته در مورد روند و پیدایش تاریخی دولت اختلاف نظر وجود دارد. بنا به نظر ابوالحمد، پیش از شکل‌گیری دولت-ملت‌های مدرن، سیاست و به‌طور کلی جوامع فاقد دولت-به‌معنای مدرن امروزی- در اشکال زیر وجود داشته‌اند: ۱. جوامع قبیله‌ای و ۲. فئودالیسم که متشکل از دولت‌های کوچک بوده و قدرت، زمین و فرمانروایی در انحصار پادشاهان و دوک‌ها قرار داشته است... (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۵۵-۴۶، ۴۲، ۱۷).

اندرو هیوود، با وجه تمایز میان دولت و جامعه مدنی، پنج ویژگی اصلی زیر را برای دولت برمی‌شمارد: ۱. دولت در حکمرانی معنا می‌یابد. دولت، نهادی برتر از سایر نهادها و

سازمان‌های جامعه است که حکمرانی و ابزار قدرت مشروع را در اختیار دارد؛ ۲. نهادهای دولتی، تصمیم‌گیری در مورد مسائل و امور اجتماعی و مربوط به خیر عمومی و نهادهای خصوصی رسیدگی به منافع خصوصی را در اختیار دارند؛ ۳. دولت از درون جامعه بیرون آمده، دارای مشروعیت و صلاحیت است و اطاعت از آن بر ملت واجب و به‌منزله حمایت از منافع پایدار جامعه است؛ ۴. دولت، به‌عنوان واحد سیاسی ذی‌صلاح، ابزار استفاده از زور مشروع را در انحصار خود دارد؛ ۵. دولت دارای حق حاکمیت سرزمینی است (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۰).

در تبیین مقوله دولت، کارکرد یا رسالت دولت از همه مهم‌تر است. هیوود سه رویکرد متفاوت نسبت به نقش و کارکرد دولت را، شامل ایده‌آلیستی، کارکردگرایانه و سازمانی، بررسی می‌کند و در نهایت رویکرد سازمانی را برمی‌گزیند. در این رویکرد، دولت را مجموعه‌ای از نهادهای عمومی تعریف می‌کند که به هزینه عموم مردم تأسیس شده و مسئول برقراری نظم و ثبات در جامعه است. این نهاد برخلاف تصور هگلی قابل نقد، کوچک یا بزرگ شدن و فاقد جنبه تقدس‌آمیز است (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۲۹). از این‌رو، مقوله‌ای تحول‌پذیر یا تغییرپذیر است و این تغییر و تحول در راستای تحقق رسالت دولت صورت می‌گیرد.

در نتیجه، دولت‌ها برحسب رسالت یا کارکرد و نقش خود در جوامع بشری به اشکال متفاوتی در عرصه بین‌الملل ظهور یافته‌اند. در تعبیر امیرمؤمنان علی (ع) دولت با صفاتی چون *دولة الکريم*، *دولة النيم*، *دولة الجاهل*، *دولة العاقل* (قروبنی، ۱۳۷۱: ۳۷) *دولة العادل*، *دولة الجائر*، *دولة الاکارم*، *دول اللثام*، *دول الاشرار*، *دول الفجار*، *دولة الوغاد* (قروبنی، ۱۳۷۱: ۴۰-۳۸) ... آمده است. این صفات متوجه رسالت یا نقش‌های مختلف دولت‌هاست. امروزه در دسته‌بندی کارکردی دولت‌ها همچنین به دولت‌های کارآمد، ضعیف و ورشکسته اشاره می‌شود.

در خصوص نقش یا کارکرد دولت، می‌توان به چهار نظریه کلی رایج در مورد دولت‌ها، به شرح زیر، اشاره کرد: دولت پلورالیستی، سرمایه‌داری، لویاتان و مردسالار. نظریه پلورالیستی، با دیدگاهی لیبرالیستی، دولت را خدمتگزار و حافظ منافع عمومی، امنیت، جان، مال و آزادی شهروندان معرفی می‌کند که مانند بالشتک سوزن پذیرنده فشارهای مردمی از جوانب مختلف و پاسخگو به نیازهای مردمی است. دولت سرمایه‌داری را بیشتر با مفاهیم مارکسیستی می‌توان فهمید که براساس آن دولت هرگز نمی‌تواند طبق نظریه‌های دولت پلورالیستی به‌عنوان داور بی‌طرف عمل کند، بلکه دولت خود از نظام طبقاتی اقتصادی و سرکوب دیگر طبقات بالا آمده است. البته بعدها در نظریه‌های تعدیل‌شده مارکسیستی، از طبقاتی‌نگریستن به دولت کاسته شد و برای مثال، جساپ^۱ دولت را واحدی پویا تعریف کرد که توازن قدرت در جامعه را در

1. Bob Jessop

مقاطع زمانی مختلف نشان می‌دهد. دولت لویاتان، با مداخله دولت در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه به شدت مخالف است و دولت را تهدیدی برای امنیت اقتصادی و آزادی فردی شهروندان معرفی می‌کند و دولت مردسالار که با برداشت‌های فمینیستی (رادیکال تا لیبرال) درآمیخته است، به طور کلی ضرورت ایجاد اصلاحات در دولت را، با نظر به رفع نابرابری‌های جنسیتی و افزایش نقش‌پذیری زنان، مطرح می‌کند (هی‌وود، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۳۲). می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دولت نهادی پایدار در تاریخ بشر بوده است و این پایداری به رسالت و کارکرد دولت بازمی‌گردد. تحقق چنین رسالتی نیز مبتنی بر مشروعیت و نقش‌آفرینی دولت در جهت تحقق رسالت خود است. از این رو ثبات و پایداری دولت و تحول مفهومی آن مبتنی بر دو مسئله اساسی است که در مشروعیت و قانونی بودن نیروهای تصمیم‌گیرنده دولت و چگونگی رفتار دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی خلاصه می‌شود.

۴. دولت و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی

۴.۱. فناوری اطلاعاتی و ارتباطی

فناوری از دهه ۱۹۷۰ در سطحی گسترده و با سرعتی فراگیر انتشار یافت. براساس استانداردهای انجمن آموزشی فناوری‌های بین‌المللی^۱، فناوری به معنای تغییر جهان طبیعی در راستای نیاز و خواسته‌های جامعه بشری است. فناوری در بهبود سلامت، استفاده بهینه انرژی، برقراری ارتباطات مؤثر، انتقال صحیح و سریع اطلاعات، جابه‌جایی و حمل‌ونقل آسان‌تر، افزایش کیفیت مواد غذایی و ایجاد بهبود کیفی در امر تولید به کمک انسان آمد و او را برای برخورداری از رفاه بیشتر در زندگی یاری می‌دهد (Dugger, 2011: see).

فناوری اطلاعات و فناوری ارتباطات دو مقوله مستقل‌اند که به دلیل درهم‌تنیدگی بسیار، اغلب در کنار هم و با حذف قرینه لفظی کلمه فناوری به کار می‌روند. فناوری اطلاعات به معنای مجموعه ابزار و روش‌ها برای تولید، ذخیره و بازیابی اطلاعات و فناوری ارتباطات به معنای مجموعه ابزار و روش‌ها برای داد و گرفت اطلاعات است. فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان مجموعه ابزار و روش‌ها برای تولید، ذخیره، بازیابی و داد و گرفت اطلاعات تعریف می‌شود (لاودن و لاودن، ۱۳۹۲: ۱۸-۱۳).

از مهم‌ترین ابزار کاربردی فناوری‌های نوین ارتباطی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. پست الکترونیکی، ۲. مجله الکترونیکی، ۳. دستگاه فاکس، ۴. بانک اطلاعاتی، ۵. بردهای الکترونیکی، ۶. ماهواره، ۷. اینترنت یا رسانه‌های داخلی (درون شبکه‌ای)، ۸. وبلاگ (لاودن و لاودن، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۶۰). بدین ترتیب، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی مجموعه‌ای گسترده از

1. The International Technology Education Association (ITEA)

سخت‌افزار، نرم‌افزار، رسانه و دستگاه‌های پخش و توزیع اطلاعات را شامل می‌شود که در تمامی عرصه‌ها از بهداشت و آموزش گرفته تا اقتصاد و سیاست نفوذ یافته‌اند و می‌توانند با ایجاد تجربه میان‌فرهنگی برای افراد، حتی به تغییر در پارادایم‌های بنیادی دولت-ملت‌ها منجر شوند (قادری، ۱۳۸۷: ۶۰-۴۳).

۲.۴. ارتباط میان رسالت دولت و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی

رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، از یک سو سبب افزایش تدریجی وابستگی‌های مادی و فرهنگی مردمی، گسترش وفاداری‌های درون‌شبکه‌ای، کاهش وفاداری نسبت به دولت‌ها و تضعیف حاکمیت و اقتدار حکومت‌ها شده است (Dhafer, 2014: 216-217) و از سوی دیگر، به‌مثابه ابزاری کارا و توانمند در اختیار دولت قرار گرفته است. گسترش فناوری‌های نوین که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود در دهه ۱۹۹۰ با تغییرات عمده در نظام بین‌الملل همراه شد؛ نظیر پیام‌های متعدد در سرزمین پهناور شوروی که با شکست دولت بزرگ، خواستار کاهش نقش دولت بود (منوریان، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۰) و برخی نیز، دلیل فروپاشی شوروی را به ناتوانی ساختاری دولت در گذار از پارادایم صنعتی به پارادایم اطلاعاتی و سازگاری با فناوری‌های نوین نسبت می‌دهند (ر.ک. سوری، ۱۳۸۹).

تأثیرگذاری فزاینده فناوری‌های نوین بر فعالیت دولت، افزایش نقش بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌الملل از یک سو و تضعیف نقش حاکمیت دولت‌ها از سوی دیگر که با موج جهانی شدن همراه شده بود، مطالعات را به سمت بررسی رابطه میان دولت و ملت هدایت کرد و نحوه مدیریت این رابطه در دستور کار بسیاری از نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی^۱، برنامه عمران سازمان ملل^۲ و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول^۳ قرار گرفت. بانک جهانی، برخلاف اجماع واشنگتن که با تأکید بر کوچک‌سازی دولت، پیاده‌سازی ۱۰ اصل ساختاری از جمله آزادسازی تجاری، خصوصی‌سازی و اصلاح نظام مالیاتی را به‌عنوان تنها عوامل رشد و توسعه مورد توجه قرار می‌داد، تنظیم صحیح رابطه میان دولت و شهروندان را در توسعه یک کشور موثر ارزیابی کرد (میدری، ۱۳۸۳: ۱۰۱-۹۶).

سرانجام، با مشارکت سه نهاد بین‌المللی مذکور (۱۹۹۲) کمیسیون مستقلی برای تحقیق در خصوص فراهم‌آوری شرایط زندگی در جهانی امن و رقابتی‌تر تشکیل و مفهوم جدیدی با عنوان حکمرانی خوب یا مطلوب مطرح و در گزارشی در سال ۱۹۹۵ منتشر شد (Information, 2001 information management and governance).

1. World Bank
2. United Nations Development Program (UNDP)
3. International Monetary Fund

۵. عناصر جدید دولت: حکمرانی و اطلاعات

۵.۱. عنصر حکمرانی

در لغت‌نامه وبستر، واژه حکمرانی^۱ به معنای حکومت، فرمانروایی، کنترل و راهبری کردن است که به دوران انگلیسی میانه بازمی‌گردد. حکمرانی و حکومت دو مقوله جدا هستند؛ چه، حکومت نهاد اجرایی دولت است اما حکمرانی کنش یا رفتار دولت را مدنظر دارد. براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، «حکمرانی به نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها گفته می‌شود که جامعه به وسیله آن و از طریق تعامل میان سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را مدیریت می‌کند» (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۱). در تعریف صندوق بین‌المللی پول^۲، حکمرانی خوب فراتر از سازمان‌دهی عمل می‌کند و شامل ابزاری است برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار حکمرانان و مردم و همچنین تولید و توزیع منابع. حکمرانی بیش از هر چیز مسئله چگونگی تعامل میان دولت و شهروندان در کنار نهادها و سازمان‌های متعلق به جامعه مدنی را پیگیری می‌کند (Davis et al., 2010: 79).

بر مبنای تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بین‌الملل^۳: «حکمرانی خوب ایفای نقش حکمرانان دولتی در ایجاد محیطی مناسب برای فعالیت بازیگران اقتصادی، نحوه توزیع منابع و کنترل چگونگی تعامل میان حکمرانان و حکمرانی‌شوندگان را شامل می‌شود» (OECD, 1995). و براساس برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی مطلوب از طریق اطمینان از مشارکت، شفافیت و پاسخگویی دولت در کنار سایر عوامل تنظیم و اداره امور کشور حاصل می‌شود (see Sjoberg, 2010). و در نهایت حکمرانی خوب سازوکار تنظیم رابطه میان شهروندان و دستگاه حکومتی را شامل می‌شود (رهنورد و عباسپور، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۶). براساس مطالعات بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی^۴ شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب عبارت‌اند از: ۱. پاسخگویی و آزادی بیان^۵: برخورداری از حقوق ابتدایی شهروندی مانند حق انتخاب دولت حاکم، آزادی ابراز عقاید، تشکیل انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب مختلف و همچنین فعالیت آزاد رسانه‌ها و مطبوعات (worldbank.org/va.pdf, 02.01.2015)

دولت پاسخگو، سازوکار مناسب برای برگزاری انتخابات آزاد و مشارکت سیاسی مستقیم (مانند شرکت در انتخابات) یا غیرمستقیم (از طریق تشکیل نهادهای مردمی) و همچنین تغییر منظم و ادواری دولتمردان و ریاست دولت را ایجاد می‌کند و راه فساد و تقلب دستگاه‌های دولتی را می‌بندد (Uddin & Villadsen, 2010: 43-45).

1. Governance

2. International Monetary Fund

3. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

4. World Trade Organization (WTO)

5. Voice and Accountability

۲. ثبات سیاسی و عدم خشونت^۱: بی‌ثباتی سیاسی به‌منزله بی‌کفایتی دولت در تأمین امنیت، نظم و قانون در کشور تلقی می‌شود و افزایش خشونت، هرج و مرج و نقض قوانین در جامعه را دامن می‌زند. آشوب‌های شهری، کودتا، ترور و اعدام‌های سیاسی، ناآرامی‌های اجتماعی... و اعتصاب‌ها همه نشانه‌های بی‌ثباتی در نظام حکومتی کشور است (worldbank.org/pv.pdf, 30.08.2013).

۳. اثربخشی دولت^۲: سیاستگذاری‌های دولت می‌باید در جهت حفظ منافع افراد فعال در کسب و کار، افزایش کارایی نهادهای دولتی، بهبود کیفیت عملکرد کارکنان دولت، ارتقای توانمندی دولت در اجرای برنامه‌های راهبردی، استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و ... باشد (worldbank.org/pdf, 12.01.2015).

۴. کیفیت مقررات^۳: میزان مداخله دولت در اقتصاد، نحوه کنترل قیمت و دستمزدها... میزان اثربخشی سیاست‌های ضد انحصار و کیفیت مطلوب یا نامطلوب مقررات از عوامل تأثیرگذار در تعیین کیفیت مقررات اجرایی دولت است (worldbank.org/pdf, 12.01.2015).

۵. حاکمیت قانون^۴: هزینه‌های تحمیلی به دولت به‌واسطه جرم و جنایت در جامعه، میزان اعتماد مردم به دولت بابت مسئولیتی که در قبال حفظ دارایی‌ها و میزان ثروت مردم دارد، ظرفیت و اختیار یا توانایی بخش خصوصی در اقامه دعوا علیه حکومت، میزان اعتماد بخش خصوصی به نظام قضایی و کارایی نیروهای امنیتی در ایجاد امنیت برای شهروندان از جمله شاخص‌های تعیین‌کننده حاکمیت قانون به‌شمار می‌آیند (worldbank.org/pdf 13.01.2015).

۶. مبارزه با فساد^۵: این شاخص میزان فساد در میان مقامات رسمی و دولتی، تأثیر فساد بر کاهش جذابیت کشور برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیگیری فعالیت‌های اقتصادی و شیوع رفتار رشوه‌گیری برای اخذ مجوزهای اقتصادی را اندازه‌گیری می‌کند (worldbank.org/pdf/cc.pdf 12.07.2013).

بر این مبنا، حکمرانی از ابزار یا مؤلفه‌های ضروری دولت قلمداد می‌شود و ضعف دولت در اجرای شاخص‌های مذکور، اثرگذاری منفی فناوری‌های نوین، گسترش بی‌اعتمادی و نارضایتی شهروندان نسبت به دولت و در نتیجه متمایل شدن آنان به فضاهای مجازی و درنهایت تضعیف حاکمیت دولت و شکل‌گیری تحولات انقلابی را سبب می‌شود.

-
1. Political Stability and Absence of Violence
 2. Governance Effectiveness
 3. Regulatory Quality
 4. Rule of Law
 5. Control of Corruption

۲.۵. عنصر اطلاعات

از زمان ظهور فناوری‌های نوین، زندگی انسان و ساختار بین‌الملل به لحاظ دانش و آگاهی تحولات پرشتابی را پشت سر گذاشته است. هر روز نسل جدیدی از فناوری‌ها به بازار معرفی و بر تعداد کاربران آن افزوده می‌شود. کاربرانی بدون مرز با جنسیت، سن و نژادهای متفاوت که در دنیای مجازی دیدگاه‌ها، «عقاید، علایق و اطلاعات متنوعی را به اشتراک می‌گذارند و از یکدیگر و دیگر ابزار اطلاع‌رسانی تأثیر می‌پذیرند یا بر آن تأثیر می‌گذارند» (Carpenter & Drezner, 2010:256). با توجه به نقش اطلاعات و خبررسانی، بسیاری از محققان، فناوری‌ها را به‌عنوان حامیان و پشتیبانان جامعه مدنی بین‌المللی و فناوری‌های آزادی‌بخش و گروهی دیگر به‌عنوان ابزار جهانی شدن و عاملان محو و حذف فرهنگ‌های ضعیف و ادغام آنها در یک فرهنگ مشترک جهانی تلقی می‌کنند که یکی بر آزادی‌های فردی و مدنی و جریان آزاد اطلاعات و دیگری بر حاکمیت ملی، انسجام فرهنگی و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد (مهدی‌زاده ملاباشی، ۱۳۹۱: ۴۸-۴۵).

با رشد بسیار سریع رسانه‌های مطبوعاتی از دهه ۱۹۹۰، رسانه‌های الکترونیک سیاست را نیز درنوردیده و جهان سیاسی به‌شدت به این رسانه‌ها و داده‌های آنها متکی شده است. دولت‌ها تلاش می‌کنند که برنامه‌های سیاسی خود را از طریق این ابزار به ملت‌ها انتقال دهند و با شکل‌گیری عملیاتی نظیر جنگ رسانه‌ای، رسانه به ابزاری تبدیل شده است در دست دولت‌های غربی که با تحریف حقایق، عقاید و اهداف خود را پیگیری و نگرش‌های سیاسی خود را بر اذهان عمومی تحمیل می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۰-۳۷۷). فضایی این‌چنین باز با امکانات متنوع و گسترده که دسترسی آن برای عموم آزاد و بدون قید و شرط است، در کنار مزایای بسیار، مشکلاتی را نیز به‌همراه خواهد داشت. از جمله ۱. ترویج اطلاعات اشتباه، دروغین یا شایعات؛ ۲. شرایط دسترسی به اطلاعات شخصی و محرمانه کاربران؛ ۳. گسترش جرائمی نظیر جاسوسی، پول‌شویی و ...؛ ۴. ایجاد الگوی رفتاری غلط در ساختار زبانی، فرهنگی یا رفتاری؛ ۵. ایجاد فاصله میان اجتماع و نظام سیاسی کشور؛ ۶. تغییر در مفاهیم بنیادین فرهنگی، اجتماعی و روابط اجتماعی، دینی و سیاسی جامعه (متنظر قائم، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۳، ۵۵-۳۸، ۳۰-۲۸).

به‌عبارتی، در عصر ارتباطات، دولت‌ها از یک‌سو با حجم عظیم اطلاعات و داده‌ها مواجه‌اند و از سوی دیگر با چالش‌های بازیگران دنیای مجازی یا بازیگران اطلاعات و ارتباطات نوین که همه عرصه‌های زندگی دولت-ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی قائل‌اند: «ورود به عصر اطلاعات به‌منزله پایان عصر استبداد، اختناق و حکومت نظامی است و انحصار و تسلط دولت‌ها و بهره‌برداری از ابزاری نظیر سانسور یا محدودسازی رسانه‌ها و ابزار فناوری اطلاعات به‌جز صرف هزینه، زمان و انرژی بیهوده، ثمر دیگری در بر ندارد» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۶).

در مقابل، هنوز باور بین‌المللی بر این است که دولت‌ها همچنان بازیگران اصلی عرصه سیاست هستند. بنابراین، کارکرد اصلی فناوری اطلاعات و رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی و تسهیل فعالیت‌های مورد نیاز بشری است و از این حیث نقش بسیار مهمی برای دولت دارد و تنها زمانی می‌تواند به تنها مبنای تصمیم‌گیری یا عامل تخریب ذهنی مردم تبدیل شود که دولت توانمندی، کفایت و حضور مؤثر خود را در عرصه حکمرانی از دست داده باشد و این زمانی است که دولت نتواند از اطلاعات به‌عنوان رکن مهم و حیاتی در تصمیمات خود استفاده کند.

۶. دولت، فناوری‌های نوین، پیامدها و الزامات آن

فناوری‌های نوین اطلاعاتی، در نقاط مختلف به روش‌های متفاوت اثرگذار بوده است. اما به‌طور کلی فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی بیشتر در میان جوانان و در کشورهایی به اثرگذاری منفی سیاسی می‌انجامد که حکومت‌ها پایگاه اجتماعی و مردمی محکمی ندارند (مانند مصر). تأثیرگذاری این شبکه‌ها در کشورهای پیشرفته، از طریق حرکت‌های نمادین مانند پروژه سطل آب یخ- که در راستای کمک به هموعان به‌سرعت در میان جوانان سراسر جهان گسترش و عمومیت یافت- یا افشاگری ویکی‌لیکس در مورد آمریکا- که خود مبدع اینترنت و مدعی آزادی است- جلوه می‌یابد^۱ (تلوری، ۱۳۹۱: ۴-۵).

شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، عضوپذیری آنان و تشویش اذهان عمومی از طریق نمایش جلوه‌های تروریستی، نمونه‌هایی از پیامدهای دولت‌های توخالی و ناتوان در حکمرانی است که به تشکیل هویت‌های مقاومت و برنامه‌دار بی‌مرز منتهی شده است. از این رو بر دولت‌هاست که از یک‌سو در جهت مدیریت بهینه، زدودن پیامدهای منفی حرکت در فضای سیال و آزاد رسانه‌ها، اینترنت و ...، بکوشند و از سوی دیگر، با نظر به اصول شش‌گانه حکمرانی مطلوب در جهت افزایش مقبولیت، مشروعیت و تقویت پایه‌های حکمرانی خود گام بردارند (Tonn & Stiefel, 2012:812-813).

به‌علاوه، ممکن است دولت مستبد بتواند مانع از فعالیت آزادانه مطبوعات و رسانه‌ها در کشور شود اما سایر رسانه‌ها، وبسایت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با اتکا بر فناوری‌های نوین به‌سہولت، اطلاعات مورد نیاز را در مورد کشورهای مختلف جمع‌آوری می‌کنند، براساس شاخص‌های جهانی به ارزیابی عملکرد سازمان‌ها و دولت‌ها در سراسر جهان می‌پردازند و نتایج را بر روی سایت‌های خود در اختیار عموم قرار می‌دهند. به‌نحوی که هر فرد می‌تواند با ورود به سایت هر یک از سازمان‌های بین‌المللی یا وبسایت‌های اینترنتی اطلاعات مورد نیاز

۱. ویکی‌لیکس از سیاست‌های آمریکا در عراق و افغانستان حمایت نمی‌کرد، اگرچه اخبار آن را پوشش می‌داد.

را جمع‌آوری و ذخیره کند. در عصر ارتباطات، سانسور و تحریف اطلاعات نه تنها به افزایش میزان محبوبیت و حاکمیت دولت‌ها کمکی نمی‌کند، بلکه مشروعیت آنها را در نظر مردم کاهش می‌دهد. به‌طور مثال، در جریان ۳۰ سال حکومت مبارک در مصر، خانه آزادی^۱ که تا قبل از انتخابات ۲۰۱۰ مطبوعات مصر را در گروه «نسبتاً آزاد» قرار داده بود، پس از انتخابات ۲۰۱۰ مصر و نقض قوانین انتخابات دموکراسی‌محور توسط حکومت مبارک، سرویس انتخاباتی مصر را در گروه «غیرآزاد» قرار داد (Moustafa, 2012: 36 & 45).

هرچه میزان خشونت و اتکا بر قدرت نظامی در یک کشور بیشتر باشد، گرایش افراد به شبکه‌های اجتماعی و پیگیری اطلاعات، نیازها و اهداف از طریق شبکه‌های مجازی بیشتر می‌شود. با افزایش آگاهی سیاسی مردم و مقایسه میان حق و حقوق شهروندی خود با دیگر جوامع، انتظارات سیاسی مردم از دولت افزایش می‌یابد و دولتی که نتواند همگام با افزایش سطح اطلاعات سیاسی و اجتماعی مردم در خود پویایی و پیشرفت ایجاد کند، ناچار است برای حفظ بقا و توجیه مشروعیت خود به ابزار غیرمتعارف خشونت و رویارویی نظامی با ملت روی آورد.

شهروندان با دسترسی به ابزار اطلاع‌رسانی می‌آموزند که جامعه حق دارد در تصمیم‌گیری برای سرنوشت سیاسی مملکت مشارکت کند و این حقوق را از طریق پیوستن به گروه‌ها، نهادها و تشکل‌های مردمی مطالبه می‌کند و اگر دولت مانع چنین اجتماعاتی شود، دنیای مجازی به راحت‌ترین و سریع‌ترین شکل این فضا را در اختیار مردم قرار می‌دهد. شهروندان با مبادله اطلاعات مورد نیاز در فضای مجازی و انتشار فراخوان برای تشکل‌های اجتماعی، به سمت اعتصاب‌ها و جنبش‌های گروهی سازمان‌دهی و هدایت می‌شوند (دارنلی و فدر، ۱۳۸۴: ۷۵-۸۸) استپانوا، با بررسی نقش فناوری‌های نوین و شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه در انقلاب‌های تونس و مصر، و اشاره به آمار و ارقام وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات مصر (در فوریه ۲۰۱۰ بیش از ۱۷ میلیون کاربر اینترنتی در مصر فعالیت داشتند که نسبت به ۴۵۰,۰۰۰ نفر در دسامبر ۲۰۰۰، افزایش ۳,۶۹۱ درصدی نشان داد. همچنین بیش از ۳۰ درصد از مجموع ۱۶۰ هزار بلاگر مصری بر بحث سیاست متمرکز بودند) بر اهمیت شبکه اجتماعی فیس‌بوک در انقلاب مصر صحنه می‌گذارد (Stepanova, 2011: 2).

اگرچه تشکل‌ها و اعتصابات مصر ابتدا در اعتراض به مشکلات اقتصادی و اجتماعی و بیشتر از ناحیه قشر ضعیف و فقیر شکل گرفته بود، سرکوب این اعتراض‌ها از سوی دولت "مبارک" و بی‌توجهی به خواست مردم به شکل‌گیری جنبش الکفایه و سپس جنبش‌های بعدی و شبکه‌های اجتماعی در فیس‌بوک و توییتر انجامید که بیشتر رنگ و بویی سیاسی داشت و

نه تنها خواهان رسیدگی به مشکلات اقتصادی، بلکه طالب آزادی‌های اجتماعی و سیاسی مشروع مردم بود (Mansour, 2010: 4). تلاش دولت مبارک برای سرکوب اعتراضات مردمی نتیجه‌ای در برنداشت جز اینکه مردم صدای خود را در سایت‌های بیشتری اطلاع‌رسانی کردند و تصویر به قتل رسیدن جوانان مصری به دست پلیس را در شبکه‌های مختلف اینترنتی انتشار و مشروعیت حکومت مبارک را مورد سؤال قرار دادند (Wiest, 2011: 1212-1213 & 1218). در سطح بین‌الملل نیز شبکه‌های خبری مانند الجزیره با پوشش سراسری اخبار اعتصابات و راه‌پیمایی‌های مصر، سبب شد که بسیاری از دولت‌ها در کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حاکمیت دولت مصر را غیرقانونی و علیه مردم کشورش تلقی کنند (Storck, 2011: 24-28).

از سوی دیگر، اینترنت برای کارآفرینان و همچنین شرکت‌های بزرگ و چندملیتی فرصت‌های ایجاد رقابت میان فعالان تجاری و ارائه خدمات را مهیا کرده و به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. اگرچه در بیشتر مواقع دولت‌ها در برابر این اقدامات مقاومت می‌کنند و در برخی نقاط نیز برخوردهایی مشاهده می‌شود؛ مانند تضاد میان روش‌های تجارت غربی و روش‌های بازرگانی در اسلام. اما در عصر حاضر که با اهدافی مانند توسعه پایدار آمیخته است، تغییرات و توسعه اجتماعی و سیاسی به تغییر و توسعه اقتصادی و ابزار آن وابسته است و دولت نمی‌تواند به روش‌های سنتی به اداره امور اقتصادی بپردازد. از این رو، در دو شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت به این مهم اشاره می‌شود که قوانین و مقررات تنظیمی از سوی دولت حاکم باید مطابق با نیازهای بخش اقتصادی و در جهت رشد و توسعه اقتصادی کشور باشد، به نحوی که برای فعالان اقتصادی از شرکت‌های کارآفرین کوچک تا شرکت‌های بزرگ چندملیتی شرایط و امکانات فعالیت و رقابت در فضای رقابتی جدید مبتنی بر خدمات الکترونیک و تکنولوژی فراهم شود (شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۶: ۳۶۶-۳۶۵) و ضرورت تحقق چنین شاخص‌هایی به تدریج دولت‌ها را به سوی مفاهیمی نظیر دولت الکترونیک سوق می‌دهد.

در چنین شرایطی، عدم بازنگری در قوانین و نبود روش‌های مکانیزه برای کنترل اثربخشی قوانین به افزایش نابرابری‌های اجتماعی و نقض حاکمیت قانون و در نتیجه کاهش اعتماد مردم به دولت منجر می‌شود. مردم برای مواجهه با حکومت‌های استبدادی به استفاده از رسانه‌های اجتماعی و فعالیت در دنیای مجازی روی می‌آورند و به دعوت فعالان سیاسی، از طریق شبکه‌های اینترنتی مانند فیس‌بوک و توییتر، پاسخ مثبت می‌دهند. در انقلاب‌های اخیر خاورمیانه، شهروندان ناراضی از عملکرد دولت مستبد از طریق رسانه‌های مجازی توانستند صدای خود را به گوش مردم در سراسر جهان برسانند و حتی همراهی و حمایت برخی رسانه‌های خبری نظیر شبکه الجزایر - و در نهایت CNN - را دریافت کنند (Chebib, 2011: 142-144).

با این همه، دولت می‌تواند با به‌کارگیری اطلاعات، نظارت و کنترل فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی از یک‌سو و تمهید شاخص‌های حکمرانی خوب در جامعه و تکیه بر دولت الکترونیک از سوی دیگر، نه تنها از بقا و ثبات حاکمیت خود اطمینان حاصل کند، بلکه حاکمیت خود را به‌صورتی بارزتر از گذشته به منصه عمل برساند. نهایت اینکه ناتوانی دولت مدرن یعنی دولت-ملت در به‌کارگیری مطلوب فناوری‌های نوین و ضعف در شاخص‌های حکمرانی خوب، دولت-ملت را با چالش‌های اساسی مواجه می‌سازد، ولی به حذف نقش آن منجر نمی‌شود، زیرا دولت از عناصر انسانی (جمعیت)، جغرافیایی (سرزمین)، حقوقی (حق حاکمیت)، سیاسی (دو رکن حکومت و حکمرانی) و اطلاعاتی-فرهنگی (اطلاعات) تشکیل می‌شود و در نتیجه «نمایانگر منافع پایدار جامعه است» (هیوود، ۱۳۸۰: ۱۵۱). بنابراین تا زمان حیات انسان و سرزمین (کره خاکی)، دولت ماهیت وجودی خود را حفظ خواهد کرد. اما همان‌گونه که در طول تاریخ شکل و ماهیت دولت‌ها تغییر یافته است، باز هم تنها می‌توانیم شاهد دگرگونی در شکل و گونه آن باشیم. برای مثال جهانی شدن می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد دولت فراگیر- با خصوصیات ویژه خود که متناسب با دنیای فرهنگی و اطلاعاتی فزاینده است- شود. بنابراین مسئله مهم پذیرش اصل تحول در مقوله دولت است که الزامات و در نتیجه شکل‌گیری گونه خاصی از آن متناسب با الزامات هر عصر و مقتضیات پیشرفتی هر زمان را می‌طلبد.

نتیجه

انقلاب نوین فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، نقش چشمگیری در روند تصمیم‌گیری‌های دولتی و شکل‌دهی به روابط دولت‌ها و دیگر بازیگران سیاسی داشته است. با توجه به تحولات اخیر به‌ویژه در خاورمیانه، این باور به‌وجود آمده که فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و در نتیجه تضعیف دولت‌ها را فراهم کرده است، به‌گونه‌ای که گاه از توخالی شدن دولت یا افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی یا نهادهای داخلی غیردولتی در برابر دولت‌ها سخن به میان می‌آید.

فناوری، امکان دسترسی به اطلاعات بیشتر و افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان و به‌طور کلی بازیگران غیردولتی و به اشتراک‌گذاری عقاید و دیدگاه‌های همگانی را فراهم و شرایطی را ایجاد کرده که دولت‌ها برای حفظ مشروعیت و مقبولیت ناچار به ایجاد کانال‌های پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری شده‌اند، اما کماکان دولت‌ها در تدبیر امور عمومی جامعه و در صحنه بین‌المللی رسالت و نقش اصلی را دارند. در نتیجه تسلط بر قدرت نرم و به‌کارگیری

اطلاعات در دنیای ارتباطی امروز می‌تواند راهگشای حفظ جایگاه دولت‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی باشد.

نویسندگان بر این باورند که دولت‌ها در عصر اطلاعات و ارتباطات همچنان می‌توانند با توجه به رسالت خویش، نقش بازیگران اصلی را در عرصه سیاست عهده‌دار باشند و حاکمیت و اقتدار خود را حفظ کنند. مشروط بر آنکه به وظایف و مسئولیت‌های خود در برابر مردم آگاه و متعهد باشد و به دو رکن اساسی یعنی جریان اطلاعات و اعمال حکمرانی خوب عنایت خاص داشته باشد. بنابراین، عصر اطلاعات و ارتباطات، از سویی پایان خشونت‌های ابزاری و توسل به زور در دولت‌ها و از سوی دیگر زمان بهره‌برداری صحیح به منظور تعقیب منافع و اهداف دولت‌هاست. بقای حاکمیت و حفظ مشروعیت دولت در عصر اطلاعات، تنها از طریق ایجاد بسترهای مورد نیاز برای اطلاع‌رسانی شفاف، حکمرانی خوب و برنامه‌ریزی منسجم و فراگیر دولت برای تأمین نیاز شهروندان در سایه عدل و قسط میسر می‌شود.

ناتوانی دولت - ملت‌ها در به‌کارگیری مطلوب فناوری اطلاعات و ارتباطات و بی‌توجهی به اصول حکمرانی خوب، اگرچه می‌تواند دولت مدرن را با چالش مواجه سازد، اما از آنجا که دولت - بماهو دولت - از عناصر انسانی، جغرافیایی، حقوقی، سیاسی و اطلاعاتی - فرهنگی تشکیل شده و حافظ منافع پایدار جامعه است، همچنان پابرجا خواهد ماند. به عبارتی، دولت پدیده‌ای است انسانی و مدنی و تا زمان حیات انسان و مدنیت، همانند گذشته و بر مبنای رشد معرفتی بشر، شاهد دگرگونی و تحول مقوله دولت خواهیم بود. این دگرگونی و تحول در عین اینکه نوعیت یا شکل این پدیده را دگرگون می‌سازد، به وجود آن استمرار می‌بخشد. نهایت اینکه فناوری‌های ارتباطی و جهانی شدن می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری دولت فراگیر - نسبت به دولت مدرن - و حتی دولت خوب به دولت فاضله متناسب با دنیای فرهنگی و اطلاعاتی آینده را فراهم آورد و این نویدی است که بارقه‌های اولیه آن آشکار شده است.^۱

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اشتراوس، لیو (۱۳۷۳). نقد نظریه دولت جدید، ویراستار: لیو اشتراوس و جوزف کراپسی، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.
۲. اکبری تبار، علی‌اکبر؛ و ابراهیم اسکندری‌پور (۱۳۹۲). رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری تقارب و تبادل فرهنگی.
۳. الوانی، سید مهدی؛ و علیزاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، مطالعات مدیریت، ش ۵۳، ص ۲۴-۱.
۴. بوزان، بری (۱۳۸۸). از جامعه بین‌الملل تا جامعه جهانی، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات

۱. این بحث خود نیازمند تحقیقی مستقل است.

- راهبردی.
۵. تقوایی، علی‌اکبر؛ و تاجدار، رسول (۱۳۸۸). «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی»، مدیریت شهری، ش ۲۳، ص ۴۵-۵۸.
۶. تلوری، مهدی (۱۳۹۱). شبکه‌سازی اجتماعی با نگاهی به دنیای مجازی، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
۷. تنسی، استفان دی (۱۳۷۹). مبانی علم سیاست، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر.
۸. جعفری‌نژاد، مسعود؛ مکی‌نژاد اصفهانی؛ محمدرضا؛ و افشار، محمدمهدی (۱۳۹۱). «نقش فضای مجازی در قدرت نرم»، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، ش ۴، ص ۳۱-۴۸.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). جغرافیای سیاسی فضای مجازی، تهران: سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۰. دارنلی، جیمز؛ و فدر، جان (۱۳۸۴). جهان شبکه‌ای؛ درآمدی بر نظریه و عمل در باب جامعه اطلاعاتی، ترجمه نسرين امین دهقان و مهدی محامی، تهران: چاپار.
۱۱. راسل، برتراند (۱۳۵۷). اصول نوسازی جامعه، ترجمه مهدی افشار، تهران: زرین.
۱۲. سیمبر، رضا؛ و قربانی، ارسلان (۱۳۸۸). «دیپلماسی نوین در روابط خارجی؛ رویکردها و ابزارهای متغیر»، فصلنامه بین‌المللی و روابط خارجی، سال اول، ش ۴، ص ۴۳-۶۱.
۱۳. راسکین، مایکل جی؛ کورد، رابرت ال؛ مدایروس، جیمز ای؛ و جونز، والتر اس (۱۳۹۳). درآمدی بر علم سیاست، ترجمه علی اردستانی، تهران: قومس.
۱۴. رضایی، مهدی (۱۳۸۶). «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران»، رفاه اجتماعی، دوره ۷، ش ۲۶، ص ۸۵-۱۰۴.
۱۵. رهنورد، فرج‌الله؛ و عباسپور، باقر (۱۳۸۶). «حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ش ۵۵، ص ۲۵-۳۸.
۱۶. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸). «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۶۰-۵۹۲، ص ۴۵-۱۳۲.
۱۷. سلطانی‌فر، محمد (۱۳۸۴). «رسانه‌ها؛ بحران‌های نوین و جنگ‌های پست‌مدرن»، پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۲، ش ۴۳ - ۴۲، ص ۲۷-۵۸.
۱۸. سوری، جواد (۱۳۸۹). «نقش تکنولوژی‌های اطلاعاتی- ارتباطی»، باشگاه اندیشه، در سایت: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/43666>, 24.09.93
۱۹. شرکاء، حمیدرضا برادران؛ و ملک‌الساداتی، سعید (۱۳۸۶). «حکمرانی خوب، توسعه آسیای جنوب غربی»، راهبرد، ش ۴۶، ص ۳۸-۲۵.
۲۰. عبدالحمید، ابوالحمد (۱۳۶۸). مبانی علم سیاست، تهران: توس.
۲۱. قادری، روح‌الله (۱۳۸۷). «تحول در نقش بازیگران دولتی و غیردولتی از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۱، ش ۳۹، ص ۱۹۵-۱۶۵.
۲۲. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۳، ش ۳، ص ۱۲۸-۱۰۳.
۲۳. _____ (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، ج ۱، ترجمه احد علیقلیان، تهران: طرح نو.
۲۵. _____ (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ج ۲، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۲۶. کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۱). ارتباطات جمعی و روابط بین‌الملل، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و آموزشی نیروی انسانی.
۲۷. گنجی‌دوست، محمد (۱۳۸۷). «تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات»، سیاست، سال ۳۸، ش ۱، ص ۱۸۵-۲۱۲.
۲۸. لاودن، کنت سی؛ و لاودن، جین پی. (۱۳۹۲). فناوری اطلاعات و ارتباطات: مفاهیم و کاربردها، ترجمه و تألیف، حمید محسنی، تهران: کتابدار.

۲۹. منتظر قائم، مهدی (۱۳۹۰). امنیت در فضای مجازی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۰. منوریان، عباس (۱۳۷۹). «از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب»، فرآیند مدیریت و توسعه، دوره ۱۴، ش ۲ و ۴۹، ص ۹-۲۵.
۳۱. مهدی‌زاده ملاماشی، تورج (۱۳۹۱). تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین رسانه‌ای، نشر نویسنده کتاب.
۳۲. میدری، احمد (۱۳۸۳). «تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب»، نامه مفید، ش ۴۲ (خرداد و تیر)، ص ۹۳-۱۲۰.
۳۳. میدری، احمد؛ و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب: بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳۴. نجفقلی‌نژاد، اعظم؛ حسن‌زاده، محمد؛ و صادق‌زاده وایقان، علی (۱۳۹۰). دنیای مجازی: امکانات، قوانین، روشها و ابزارهای ارزیابی، تهران: کتابدار.
۳۵. وینسنت، اندرو (۱۳۷۱). نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
۳۶. هداوند، مهدی (۱۳۸۴). «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، ش ۴، ص ۸۶-۵۱.
۳۷. هی‌وود، آندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

ب) خارجی

38. Brisson, Zack. (2011). "The Role of Technology in the Egyptian Revolution" **Reboot**. Retrieved from <http://reboot.org/2011/03/18/the-role-of-technology-in-the-egyptian-revolution>.
39. Carpenter, Charli, & Daniel W. Drezner. (2010). "International Relations 2.0: The Implications of New Media for an Old Profession!". **International Studies Perspectives**, 11(3), pp: 255-272. doi:10.1111/j.1528-3585.2010.00407.x
40. Chebib, Nadine Kassem, & Rabia Minatullah Sohail. (2011). "The Reasons Social Media Contributed To The 2011 Egyptian Revolution". **International Journal of Business Research and Management (IJBRM)**, 2(3), pp:139-162.
41. Davison. W. Phillips,(1968), Public opinion. **International Encyclopedia of the Social Sciences**.
42. Dhaher, Omar. (2014). Book Review, "Third World Citizens and the Information Technology Revolution" Author: Niven Saleh. **Telecommunications Policy**, 38(2), pp: 216-217. doi:10.1016/j.telpol.2012.12.007.
43. Eltantawy, Nahed & Julie B. Wiest. (2011). Social Media in the Egyptian Revolution: Reconsidering Resource Mobilization Theory. **International Journal of Communication (5)**, pp:1207-1224. doi: 1932-8036/2011FEA1207.
44. Gutfreund-Walmsley, Elizabeth. (2012). "The 2011 Egyptian Revolution". E-International Relations. Retrieved from <http://www.e-ir.info/2012/10/14/the-2011-egyptian-revolution>.
45. Jorjensin, D.W. & Stiroh (1995) "Computer and Growth ", **Economocs of Innovation and New Technology**, N3, PP295-316.
46. Khan, Mushtaq H. (2009). "Governance , Growth and Poverty Reduction". **DESA Working Paper**. No. 75. New York: United Nations Department of Economic and Social Affairs. Retrieved from http://www.un.org/esa/desa/papers/2009/wp75_2009.pdf.
47. Kingsbury, Benedict & Stephan Schill (2010). "IILJ Working Paper 2009/6". **New York, NY: International Law And Justice Working Papers Global Governance**. Retrieved from: <http://www.iilj.org/publications/documents/2009-6.KingsburySchill.pdf>.
48. LePoire, David J. & Jerome C. Glenn. (2007). "Technology and the Hydra of terrorism?" **Technological Forecasting and Social Change**. 74(2), pp: 139-147. doi:10.1016/j.techfore.2006.01.002
49. Mansour, Sherif. (2010). "Egypt's "Facebook Revolution", Kefaya, and the struggle for democracy and good governance (2008-2011)". **International Center on Nonviolent Conflict**. pp: 1-8. Retrieved from https://www.nonviolent-conflict.org/images/stories/pdfs/mansour_egypt.pdf. 18.06.2013.
50. Mohajerani, Ali, João Baptista, & Joe Nandhakumar. (2014). "Exploring the role of social media in importing logics across social contexts: The case of IT SMEs in Iran".

- Technological Forecasting and Social Change**. doi:10.1016/j.techfore.2014.06.008
51. Moustafa, Tamir. (2012). "Rule of Law Quick Scan Egypt. The Rule of Law in Egypt : Prospects and Challenges Rule of Law Quick Scan Egypt Prospects and Challenges". **The Netherlands: Roland Janse**, Hague Institute for the Internationalization of Law.
52. Nettl, J. P.(1999). "The State as a Conceptual Variable", in Hall John A. (ed.), **The State**, vol. 1, London: Routledge.
53. NU. Cepal. Sede Subregional para el Caribe. (2001). "Information, information management and governance." **ECLAC (Economic Commission for Latin America and the Caribbean)**. Retrieved from <http://hdl.handle.net/11362/27495>. Accessed by 20.09.2010.
54. OECD. (1995). Participatory Governance and Development. Paris: OECD. Retrieved from [http://www.oecd.org/officialdocuments/publicdisplaydocumentpdf/?doclanguage=en&coct e=OCDE/GD\(95\)95](http://www.oecd.org/officialdocuments/publicdisplaydocumentpdf/?doclanguage=en&coct e=OCDE/GD(95)95). Accessed by 05.09.2010.
55. Sandoval-Almazan, Rodrigo & J. Ramon Gil-Garcia, (2014). "Towards cyberactivism 2.0? Understanding the use of social media and other information technologies for political activism and social movements". **Government Information Quarterly**, 31(3), pp: 365–378. doi:10.1016/j.giq.2013.10.016.
56. Sjoberg, Laura (Ed.). (2010). **Gender and International Security**. Oxon: Routledge.
57. Skolnikoff, Eugene.B. (2002). "Will science and technology undermine the international political system?". **International Relations of the Asia-Pacific**. 2(1), 29–46. doi:10.1093/irap/2.1.29.
58. Stepanova, Ekaterina. (2011). "The Role of Information Communication Technologies in the "Arab Spring"". **PONARS Eurasia Policy Memo**. No. 159 (159), 1–6.
59. Storck, Madeline. (2011). "The Role of Social Media in Political Mobilisation : "a Case Study of the January 2011 Egyptian Uprising". **Dissertation for the Degree of M.A.** University of St Andrews.
60. Tonn, Bruce & Dorian Stiefel. (2012). "The future of governance and the use of advanced information technologies". **Futures**. 44(9), pp: 812–822. doi:10.1016/ j.futures. 2012.07.004
61. Uddin, S. M. Anowar & Soren Villadsen. (2010). "Impact of Good Governance on Development in Bangladesh : A Study". **Master' s Thesis in Public Administration**. Institute of Society and Globalization . Denmark: Roskilde University.

ج) منابع اینترنتی

62. <http://data.worldbank.org/data-catalog/worldwide-governance-indicators>, 12.07.2012.
63. <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/va.pdf>, 02.01.2015.
64. <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/pv.pdf>, 30.08.2013.
65. <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/ge.pdf>, 12.01.2015.
66. <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/rq.pdf>, 13.01.2015.
67. <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/rl.pdf>, 13.01.2015.
68. <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/cc.pdf>, 12.07.2013.